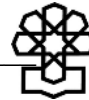


«نگاهی به ۲۰ اقتصاد بزرگ دنیا»
و تحلیل برابری قدرت خرید دو پول ملی
(GDP برحسب PPP)

به نام خدا

فهرست مطالب

۱	چکیده
۱	مقدمه
۲	بخش اول - خلاصه گزارش وزارت اقتصاد و دارایی
۴	معرفی ۲۰ اقتصاد بزرگ دنیا برحسب برابری قدرت خرید و نگاهی به گروه ۲۰
۱۱	بخش دوم - ساختار تفصیلی محاسبه تولید ناخالص داخلی برحسب برابری قدرت خرید
۱۴	علل اختلاف محاسبه GDP براساس «نرخ ارز» و «برابری قدرت خرید»
۱۷	اندازه‌گیری و به‌کارگیری روش‌های محاسبه PPP
۱۸	عوامل ایجاد نارسایی در نظریه برابری قدرت خرید
۱۹	سیر تحولات تولید ناخالص داخلی ایران با قیمت‌های بین‌المللی
۲۱	جمع‌بندی نهایی
۲۱	منابع و مأخذ



«نگاهی به ۲۰ اقتصاد بزرگ دنیا» و تحلیل برابری قدرت خرید دو پول ملی (GDP برحسب PPP)^۱

چکیده

واقعیت این است که علت یا علل اختلاف بین ارزش تولید ناخالص داخلی (GDP) برحسب روش برابری قدرت خرید (PPP) با تولید ناخالص داخلی (GDP) برحسب ارزش اسمی صرفاً به تعرفه‌ها و یارانه‌ها برنمی‌گردد. این گزارش ضمن بررسی و تلخیص گزارش «نگاهی به ۲۰ اقتصاد بزرگ دنیا برحسب برابری قدرت خرید» تلاش می‌نماید تا به توصیف ساختار تفصیلی محاسبه تولید ناخالص داخلی برحسب برابری قدرت خرید بپردازد.

نتایج حاکی از آن است که ساختار و شاکله نظام قیمت‌های داخلی، بهره‌وری نیروی کار، سرمایه، انرژی و بهره‌وری کل عوامل تولید، «قابل مبادله بودن» یا «قابل مبادله نبودن» کالاها و خدمات تجاری، ورود کشورها به فاز جدید پیشرفت و توسعه یعنی «اقتصاد دانایی» در زمره دلالت‌های اصلی تفاوت تولید ناخالص داخلی برحسب قدرت خرید با تولید ناخالص داخلی برحسب ارزش اسمی محسوب می‌شوند.

مقدمه

معاونت اقتصادی وزارت امور اقتصادی گزارشی با عنوان «نگاهی به ۲۰ اقتصاد بزرگ دنیا برحسب برابری قدرت خرید» تهیه کرده است. نظر به درخواست ریاست محترم مرکز پژوهش‌ها گزارش مذکور تلخیص شده است.

علاوه بر این اظهارنظر کارشناسی از بُعد نکات موجود در محاسبه GDP برحسب PPP و دلایل اختلاف آن با GDP برحسب نرخ ارز اسمی جهت اطلاع نمایندگان محترم مجلس شورای اسلامی و نیز علاقمندان اضافه شده است که بر این اساس بخش اول گزارش، اجمالی از گزارش وزارت امور اقتصاد و دارایی است.

در بخش دوم ضمن ارائه ساختار تفصیلی محاسبه تولید ناخالص داخلی براساس برابری قدرت خرید و ارز سعی شده است به برخی سؤالات مترتب بر آن از بُعد کارشناسی پاسخ داده شود. در پایان جمع‌بندی ارائه شده است.

بخش اول - خلاصه گزارش وزارت اقتصاد و دارایی

نظریه تولید ناخالص داخلی برحسب برابری قدرت خرید در سال ۱۹۲۴ میلادی توسط پروفیسور کاسل، اقتصاددان سوئدی مطرح شده است. مطابق با روش‌های مورد استفاده جهت برآورد این شاخص، ارزش تولید ناخالص داخلی کشور که برحسب واحد پولی آنها بیان می‌شود با استفاده از عوامل تبدیل‌کننده‌ای که منعکس‌کننده قدرت خرید واحدهای پولی کشورها هستند و تحت عنوان برابری قدرت خرید مطرح می‌شوند، برحسب یک واحد پولی مشترک ارزشگذاری می‌شوند.

از کاربردهای برابری قدرت خرید می‌توان بررسی رقابت‌پذیری کشورها، مقایسه درآمد ملی و سرانه کشورها، ارزیابی استاندارد زندگی جوامع و برآورد سایر شاخص‌های اقتصادی را نام برد. امکان مقایسه سطح رفاه در کشورهای مختلف یکی از موارد مهم کاربرد برابری قدرت خرید است، زیرا با استفاده از این روش ارزش واقعی کالاها و خدمات ثابت بوده و از کشوری به کشور دیگر تغییر نمی‌کند. قابل ذکر است که مبنای حق عضویت در صندوق بین‌المللی پول نیز تولید ناخالص داخلی برحسب برابری قدرت خرید است.

چنان‌که در جدول ۱ ملاحظه می‌شود، براساس آمار ارائه شده توسط صندوق بین‌المللی پول در سال ۲۰۱۱ میلادی کشورهای آمریکا، چین و هند به ترتیب با ۱۵۰۹۴/۰۳، ۱۱۲۹۹/۹۷ و ۴۴۵۷/۷۸ میلیارد دلار تولید ناخالص داخلی برحسب برابری قدرت خرید در رده‌های اول تا سوم جهان قرار داشته‌اند و ایران با ۹۹۰/۲۲ میلیارد دلار در بین ۱۸۳ کشور در جایگاه هفدهم و بالاتر از استرالیا، تایوان و لهستان قرار گرفته است. در سطح منطقه نیز ایران پس از ترکیه در جایگاه دوم قرار دارد. براساس آمار صندوق بین‌المللی پول، تولید ناخالص داخلی ایران برحسب برابری قدرت خرید در سال ۲۰۱۱ میلادی نسبت به رقم مذکور در سال ۱۹۸۰ میلادی (۱۱۴ میلیارد دلار) حدوداً هشت برابر شده است.



جدول ۱. تولید ناخالص داخلی ۲۰ اقتصاد بزرگ جهان برحسب برابری قدرت خرید

(میلیارد دلار)

رتبه ۲۰۱۱	کشور	۲۰۰۱	رتبه ۲۰۰۱	۲۰۰۲	۲۰۰۳	۲۰۰۴	۲۰۰۵	۲۰۰۶	۲۰۰۷	۲۰۰۸	۲۰۰۹	۲۰۱۰	۲۰۱۱
۱	آمریکا	۱۰۲۸۶/۱۸	۱	۱۰۶۳۲/۳۰	۱۱۱۴۲/۲۳	۱۱۸۵۲/۲۵	۱۲۶۲۲/۹۵	۱۲۳۷۷/۲۰	۱۲۰۲۸/۶۸	۱۲۲۹۱/۵۵	۱۲۹۳۸/۹۳	۱۴۵۲۶/۵۵	۱۵۰۹۴/۰۴
۲	چین	۳۳۲۸/۶۲	۳	۳۷۰۱/۱۳	۴۱۵۷/۸۲	۴۶۹۷/۹۰	۵۴۶۲/۲۶	۶۲۳۹/۵۷	۲۳۲۹/۹۲	۸۲۱۴/۳۷	۹۰۶۵/۹۲	۱۰۱۲۸/۳۱	۱۱۲۹۹/۹۷
۳	هند	۱۶۶۹/۴۰	۵	۱۷۷۲/۷۶	۱۹۲۵/۱۵	۲۱۵۷/۲۵	۲۴۳۱/۲۰	۲۷۴۸/۹۳	۲۱۱۱/۳۲	۲۳۷۷/۰۶	۳۶۳۷/۲۱	۲۰۶۹/۹۳	۴۴۵۷/۷۸
۴	ژاپن	۲۳۳۱/۰۰	۲	۳۴۰۳/۹۳	۳۵۳۵/۱۲	۳۷۰۶/۰۲	۲۸۸۹/۵۸	۴۰۸۳/۲۴	۴۲۹۳/۸۲	۳۳۴۳/۲۴	۲۱۴۶/۵۸	۴۳۸۰/۳۴	۴۴۴۰/۳۸
۵	آلمان	۳۳۲۸/۶۴	۴	۳۳۶۵/۳۰	۳۳۰۴/۰۲	۲۲۹۹/۰۷	۲۴۹۲/۱۵	۲۶۷۲/۷۲	۲۸۴۳/۶۰	۲۹۳۰/۱۸	۲۸۱۰/۷۴	۲۹۳۴/۳۵	۳۰۹۹/۰۸
۶	روسیه	۱۲۰۴/۵۴	۱۰	۱۲۸۲/۱۲	۱۴۰۴/۰۴	۱۵۴۶/۸۲	۱۶۹۶/۷۲	۱۸۹۴/۳۷	۲۱۱۵/۷۱	۲۲۷۶/۱۳	۲۱۲۰/۲۲	۲۲۳۷/۲۶	۲۳۸۳/۴۰
۷	برزیل	۱۲۷۸/۹۱	۹	۱۳۲۴/۱۲	۱۳۷۷/۸۱	۱۴۹۲/۷۰	۱۵۸۴/۶۰	۱۷۰۰/۵۱	۱۸۵۶/۵۱	۱۹۹۵/۷۹	۲۰۱۰/۲۲	۲۱۸۶/۵۵	۲۲۹۴/۲۴
۸	انگلستان	۱۵۴۸/۶۶	۷	۱۶۲۶/۴۲	۱۷۷۹/۷۳	۱۸۳۴/۴۲	۱۹۲۳/۰۲	۲۰۲۷/۵۱	۲۱۷۹/۹۴	۷۲۰۳/۷۳	۲۱۲۹/۵۸	۲۱۹۹/۱۶	۲۳۶۰/۸۰
۹	فرانسه	۱۵۹۶/۶۹	۶	۱۶۳۷/۸۶	۱۶۸۷/۱۷	۱۷۷۱/۹۸	۱۸۶۰/۳۱	۱۹۷۱/۴۶	۲۰۷۳/۹۸	۲۱۱۵/۸۲	۲۰۸۱/۸۹	۲۱۳۴/۹۵	۲۲۱۷/۹۰
۱۰	ایتالیا	۱۲۶۲/۷۵	۸	۱۴۹۲/۱۴	۱۵۲۲/۸۳	۱۵۸۲/۸۵	۱۶۴۱/۵۶	۱۷۳۱/۸۷	۱۸۱۲/۱۱	۱۸۴۰/۸۹	۱۷۳۸/۵۵	۱۸۰۰/۵۹	۱۸۴۴/۹۵
۱۱	مکزیک	۱۰۷۹/۲۲	۱۱	۱۰۹۷/۵۲	۱۱۲۵/۱۸	۱۲۲۱/۸۲	۱۲۹۲/۵۲	۱۴۰۸/۴۱	۱۴۹۶/۲۵	۱۵۴۷/۵۸	۱۴۶۵/۷۸	۱۵۶۴/۸۴	۱۶۶۱/۶۴
۱۲	کره جنوبی	۸۲۴/۸۱	۱۴	۸۹۸/۰۹	۹۴۲/۶۸	۱۰۱۵/۴۶	۱۰۹۶/۷۴	۱۱۹۰/۸۱	۱۲۸۷/۶۳	۱۳۳۶/۷۵	۱۳۶۵/۳۱	۱۴۶۸/۳۱	۱۵۵۴/۱۵
۱۳	اسپانیا	۹۵۴/۱۳	۱۲	۹۹۶/۱۱	۱۰۴۸/۴۹	۱۱۱۰/۹۷	۱۱۸۴/۵۸	۱۲۷۲/۷۲	۱۳۵۵/۲۱	۱۳۹۷/۵۷	۱۳۵۹/۴۹	۱۳۷۴/۱۸	۱۴۱۳/۳۷
۱۴	کانادا	۱۳۴/۸۴	۱۳	۹۶۷/۳۰	۱۰۰۶/۲۲	۱۰۶۵/۷۶	۱۱۳۲/۰۰	۱۲۰۱/۵۲	۱۲۶۳/۶۳	۱۲۰۰/۵۵	۱۳۷۷/۸۸	۱۳۳۴/۱۴	۱۳۹۶/۱۴
۱۵	اندونزی	۵۳۰/۹۷	۱۶	۵۶۳/۸۵	۶۰۳/۲۲	۶۵۰/۲۰	۷۰۵/۱۶	۷۶۷/۱۱	۸۲۰/۴۲	۹۱۰/۷۲	۹۶۲/۹۴	۱۰۳۴/۲۶	۱۱۲۴/۶۵
۱۶	ترکیه	۲۹۴/۶۵	۱۷	۵۳۳/۶۴	۵۲۳/۵۶	۶۵۸/۶۳	۷۲۷/۲۳	۸۲۴/۴۶	۸۸۸/۲۰	۹۱۳/۸۸	۸۷۸/۹۶	۹۶۹/۱۴	۱۰۷۳/۵۷
۱۷	ایران	۴۶۴/۰۲	۱۹	۵۱۰/۰۶	۵۶۲/۷۶	۶۱۸/۰۲	۶۸۴/۸۴	۷۵۰/۸۶	۸۲۱/۸۴	۸۴۴/۹۱	۸۸۷/۵۵	۹۵۰/۷۲	۹۹۰/۲۳
۱۸	استرالیا	۵۵۱/۰۸	۱۵	۵۸۲/۰۲	۶۱۲/۹۲	۶۵۰/۷۱	۶۹۰/۳۴	۷۳۹/۷۶	۷۸۸/۲۰	۷۸۵/۸۲	۸۴۶/۰۰	۸۷۷/۵۲	۹۱۴/۴۸
۱۹	تایوان	۴۵۴/۵۷	۲۰	۲۸۶/۳۴	۵۱۴/۶۸	۵۶۵/۹۱	۶۰۷/۰۰	۶۶۰/۶۸	۷۳۰/۵۳	۷۴۱/۸۸	۷۳۶/۱۴	۸۳۴/۳۶	۸۶۷/۰۴
۲۰	لهستان	۴۱۰/۳۳	۲۱	۴۲۲/۹۸	۴۴۸/۵۸	۴۸۴/۹۲	۵۱۷/۹۶	۵۶۷/۶۹	۶۲۴/۱۳	۶۷۰/۶۸	۶۸۸/۶۴	۷۲۴/۰۴	۷۷۱/۶۶

مأخذ: صندوق بین‌المللی پول، آوریل ۲۰۱۲.

معرفی ۲۰ اقتصاد بزرگ دنیا برحسب برابری قدرت خرید و نگاهی به گروه ۲۰

الف) معرفی ۲۰ اقتصاد بزرگ دنیا برحسب برابری قدرت خرید

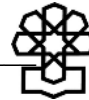
۲۰ اقتصاد بزرگ دنیا برحسب برابری قدرت خرید در سال ۲۰۱۱ میلادی شامل آمریکا، چین، هند، ژاپن، آلمان، روسیه، برزیل، انگلستان، فرانسه، ایتالیا، مکزیک، کره جنوبی، اسپانیا، کانادا، اندونزی، ترکیه، ایران، استرالیا، تایوان و لهستان هستند که هرکدام به‌طور اجمالی معرفی و مقایسه می‌شوند. **آمریکا:** آمریکا بزرگ‌ترین اقتصاد جهان بوده و به تنهایی نزدیک به یک‌پنجم حجم اقتصاد جهانی را برحسب برابری قدرت خرید در اختیار دارد. اقتصاد این کشور به‌دلیل بالا بودن حجم صادرات، واردات، سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی، مبادلات بازرگانی و... همواره به‌عنوان موتور محرک اقتصاد جهانی معرفی می‌شود.

چین: اقتصاد چین از اواخر دهه ۱۹۷۰ میلادی به سرعت تغییر کرده و درحال رشد بوده است. براساس برابری قدرت خرید، چین دارای دومین اقتصاد بزرگ جهان و یک بازیگر اصلی در اقتصاد جهانی است. چنانچه رشد کنونی اقتصادی چین همچنان ادامه یابد، چین از نظر اقتصادی، درحال رسیدن به آمریکا یعنی بزرگ‌ترین اقتصاد جهان است و باید خود را برای مقابله با پیامدهای سیاسی و اقتصادی این موضوع آماده کند. این امر موجب نگرانی‌های عمده سیاسی خواهد شد، زیرا این کشور به‌صورت نیرویی به‌مراتب قوی‌تر در منطقه درمی‌آید. با این حال، بیش از ۵۰ درصد مردم چین کشاورزند و حدود ۲۰۰ میلیون نفر از مردم چین با درآمد روزانه کمتر از یک دلار زندگی می‌کنند.

صنایع اصلی چین بسیار گسترده و شامل محصولات آهن و استیل، زغال سنگ، ماشین‌آلات، صنایع نفتی، اسباب‌بازی، کفش و لوازم الکترونیکی است. صادرات عمده چین ماشین‌آلات، پوشاک، کفش، اسباب‌بازی، سوخت معدنی، مواد شیمیایی و واردات آن ماشین‌آلات، مواد شیمیایی، آهن و استیل و سوخت معدنی است.

هند: کشور هند به لطف برخورداری از نیروی کار فراوان و رشد اقتصادی سریع طی یک دهه اخیر به یکی از قدرت‌های نوظهور اقتصاد جهانی تبدیل شده است. اقتصاد هند، اقتصادی متنوع است و کشاورزی، صنایع دستی، نساجی، صنعت و گستره وسیعی از خدمات را دربرمی‌گیرد. اگرچه هنوز دوسوم نیروی کار هند، درآمد خود را به‌طور مستقیم یا غیرمستقیم از بخش کشاورزی به‌دست می‌آورند، نقش بخش خدمات در اقتصاد هند اهمیت روزافزونی به خود گرفته است.

ژاپن: ژاپن که یکی از قدرت‌های اقتصادی دنیا محسوب می‌شود، دارای منابع طبیعی خیلی محدودی است و اکثر جزایر و خاک آن کوهستانی و آتشفشانی است. ولی با همکاری‌های دولت در



بخش صنعت و نیز سرمایه‌گذاری گسترده در فناوری‌های پیشرفته به‌عنوان یکی از پیشگامان عمده در صنعت و تکنولوژی دنیا شناخته شده است. صادرات بخش عمده‌ای از درآمدهای اقتصادی ژاپن را تشکیل می‌دهد و آمریکا، چین و کره جنوبی عمده‌ترین شرکای تجاری این کشور هستند. محصولات صادراتی عمده ژاپن شامل تجهیزات حمل‌ونقل، اتومبیل، صنایع الکترونیک، ماشین‌آلات الکترونیکی و صنایع شیمیایی هستند. در بخش صنایع ژاپن به‌عنوان یکی از پیشرفته‌ترین کشورها در زمینه تولید اتومبیل، تجهیزات الکترونیکی، ماشین ابزار، فولاد و فلزات غیرآهنی، کشتی‌سازی، صنایع شیمیایی و نساجی و نیز صنایع غذایی فرآوری شده محسوب می‌شود.

آلمان: کشور آلمان یکی از صنعتی‌ترین کشورهای جهان است و به‌عنوان بزرگ‌ترین اقتصاد عضو اتحادیه اروپا، موتور اقتصادی حوزه پولی یورو محسوب می‌شود. در آلمان صنایع زیادی فعالند. صنایعی چون الکتریکی، مکانیکی، مواد شیمیایی، منسوجات، غذایی و وسایل نقلیه، کارخانه‌های اتومبیل‌سازی بنز، بی.ام.و و فولکس واگن محصولات خود را در تمام دنیا عرضه می‌کنند. مهمترین صادرات این کشور وسایل نقلیه موتوری و وسایل الکتریکی است.

روسیه: اقتصاد روسیه که از اعضای گروه هشت و کشوری صنعتی است، وابسته به صنایع بزرگ انرژی این کشور به‌ویژه گاز است و راه‌های ترابری این کشور نیز بسیار مهم هستند. اقتصاد این کشور بر پایه سرمایه‌داری و خصوصی‌سازی است، که این موضوع پس از فروپاشی شوروی و رهایی از اقتصاد دولتی و سوسیالیستی انجام شد.

برزیل: برزیل بزرگ‌ترین و پرجمعیت‌ترین کشور در آمریکای جنوبی است. این کشور بجز شیلی و اکوادور با همه کشورهای آمریکای لاتین هم‌مرز است. این کشور که یکی از اقتصادهای نوظهور است، به برکت منابع طبیعی غنی و فراوان به قدرتمندترین اقتصاد آمریکای جنوبی تبدیل شده است. اقتصاد برزیل به‌دلیل برخورداری از بخش‌های بزرگ و روبه رشد کشاورزی، معادن، تولیدات صنعتی و خدمات، دارای بالاترین جایگاه در میان کشورهای آمریکای جنوبی است.

انگلستان: کشور انگلستان یکی از اعضای اصلی جی ۸، جی ۲۰ و از قدرت‌های بزرگ اقتصاد جهانی محسوب می‌شود. بخش خدمات، موتور محرکه اقتصاد انگلستان است و این کشور مرکز مالی اروپا نیز می‌باشد. به‌طوری که برخی از بزرگ‌ترین بانک‌ها و شرکت‌های بیمه جهان در لندن مستقر هستند.

فرانسه: جمهوری فرانسه یکی از اعضای مؤسس اتحادیه اروپا و سازمان ملل متحد است. این کشور همچنین عضو جی ۸ و از اعضای دائم شورای امنیت سازمان ملل متحد است. از جمله مهمترین صنایع فرانسه می‌توان به صنایع فلزکاری، ماشین‌آلات، شیمیایی، وسایل نقلیه، مواد غذایی، منسوجات و البسه، هواپیماسازی، کشتی‌سازی، پتروشیمی، الکتریکی، تأسیسات اتمی و جنگ‌افزار اشاره کرد.

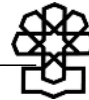
ایتالیا: بعد از جنگ جهانی دوم تغییرات اساسی در اقتصاد ایتالیا رخ داد که با گذشت زمان ایتالیا را تبدیل به یکی از قدرتهای اقتصادی کرد. با آغاز دهه ۱۹۸۰ میلادی به تدریج مرحله صنعتی شدن ایتالیا با توسعه و گسترش خدمات بانکی، خدمات بیمه، تجارت، مالی و تبلیغات شروع شد. این کشور جزء کشورهای صنعتی به شمار می‌رود که به خاطر برخی از ویژگی‌هایش آن را از دیگر اقتصادهای اتحادیه اروپا متمایز می‌کند. صنعت تولید ایتالیا در سیطره شرکت‌های کوچک و متوسط است و شرکت‌های بزرگ بسیار کم هستند. از صنایع مهم ایتالیا می‌توان به صنعت مکانیک (اتومبیل و موتورسیکلت)، لوازم خانگی، صنایع دفاعی (هلیکوپتر، سیستم دفاعی، سلاح‌های سبک، خودروهای زرهی)، صنایع شیمیایی (دارو، لاستیک و...)، صنعت مد، منسوجات، چرم، مبلمان و کشتی‌سازی اشاره کرد.

مکزیک: یک چهارم نیروی کار مکزیک به کشاورزی اشتغال دارند و قهوه، پنبه، میوه و سبزی مهمترین کشت‌های صادراتی است. مکزیک در تولید نقره مقام اول را در جهان دارد. صنایع مهم این کشور پتروشیمی، نساجی، وسایل نقلیه موتوری و فرآورده‌های غذایی است.

کره جنوبی: رشد سریع اقتصاد کره جنوبی طی ۴ دهه اخیر این کشور را در کمتر از نیم قرن مبدل به کشوری پیشرفته و ثروتمند نمود و اکنون این کشور یکی از موفق‌ترین کشورهای تازه صنعتی شده محسوب می‌شود. کره جنوبی علیرغم کمبود منابع طبیعی و دارا بودن کمترین مساحت در میان کشورهای گروه ۲۰ به‌عنوان یکی از اقتصادهای نیرومند دنیا تلقی می‌شود.

اسپانیا: براساس آمارهای صندوق بین‌المللی پول، اسپانیا در سال ۲۰۱۱ میلادی سیزدهمین کشور بزرگ جهان و پنجمین کشور بزرگ اروپا براساس تولید ناخالص داخلی برحسب برابری قدرت خرید بوده است. اسپانیا یکی از کشورهای اتحادیه اروپاست که بیشترین لطمه را از بحران اقتصاد جهانی در سال ۲۰۰۸ میلادی دیده و هنوز هم با مشکلات عمده‌ای از قبیل بیکاری گسترده و بدهی بالا دست به گریبان است. همچنین اسپانیا در میان کشورهای عضو اتحادیه اروپا، بزرگ‌ترین اقتصاد زیرزمینی را داراست. بخش خدمات حدود ۶۷ درصد اقتصاد اسپانیا را تشکیل می‌دهد. صنعت با نزدیک به ۲۰ درصد و کشاورزی با کمتر از ۳ درصد دیگر بخش‌های اقتصاد اسپانیا هستند. صنایع فلزی، صنایع پارچه و لباس، صنایع غذایی و نوشیدنی، صنایع شیمیایی، صنایع الکتریکی، صنایع دریایی، اتومبیل و ماشین‌آلات صنایع عمده اسپانیا می‌باشند و حجم عمده تجارت این کشور با اتحادیه اروپاست.

کانادا: کانادا یکی از ثروتمندترین کشورهای جهان محسوب می‌شود و اقتصاد آن از تنوع و گوناگونی فراوانی برخوردار است. صنایع گوناگونی اقتصاد کانادا را شکل می‌دهند که در سه گروه



اصلی دسته‌بندی می‌شوند: صنایع متکی بر منابع طبیعی، صنایع تولیدی و صنایع خدماتی. کانادا غنی‌ترین منابع طبیعی، از نفت و گاز و مواد معدنی تا الوار و کشاورزی را داراست. صنایع مرتبط با منابع طبیعی مانند معدن، استخراج نفت و گاز، کشاورزی، جنگلداری و شیلات همواره در اقتصاد کانادا از اهمیت بالایی برخوردار بوده و نقش مهمی در توسعه این کشور ایفا کرده‌اند.

اندونزی: اندونزی به‌عنوان پرجمعیت‌ترین کشور مسلمان در دوره رشد سریع جنوب شرق آسیا طی دهه ۱۹۹۰ میلادی یکی از هفت ببر آسیایی به‌شمار می‌آمد، اما با بحران ۱۹۹۷ میلادی ضربه شدیدی خورد. اگرچه بحران ۱۹۹۷ میلادی برای اندونزی ناگوار بود، بحران اقتصاد جهانی در سال ۲۰۰۸ میلادی فرصتی شد تا این کشور بتواند دوباره خود را در عرصه اقتصاد جهانی مطرح کند و اکنون یکی از کشورهای مهم نوظهور است که به سرعت در حال رشد است.

ترکیه: اقتصاد ترکیه ترکیبی از صنایع بومی و مدرن است که روزه‌به‌روز دامنه‌اش افزوده می‌شود. ترکیه از نظر تولیدات کشاورزی یکی از ۱۰ کشور اول جهان است. بخش خصوصی اقتصاد این کشور نیز قوی و به سرعت در حال رشد است و نقش مهمی در بانکداری، حمل‌ونقل و ارتباطات دارد. ترکیه از سال ۱۹۸۰ میلادی در تولید محصولات اساسی کشاورزی به خودکفایی رسیده و پس از آن سال نیز به رشد خود ادامه داده است. بزرگ‌ترین صنعت ترکیه نساجی است و پس از آن پالایش نفت، صنایع غذایی، صنایع شیمیایی، صنایع فولاد و ذوب آهن، خودروسازی و ماشین‌سازی بیشترین سهم در صنعت ترکیه را دارند.

صنایع نساجی، صنایع خودروسازی، صنایع فولاد و ذوب آهن، لوازم خانگی، صنایع شیمیایی و داروسازی و ماشین‌سازی محصولات عمده صادرات صنعتی ترکیه را تشکیل می‌دهند.

ایران: ایران، بنیانی قوی برای رشد و توسعه سریع دارد. این کشور ضمن برخورداری از بالاترین ذخایر انرژی در جهان، از جمعیتی جوان، تحصیلکرده و همچنین زیرساخت‌های صنعتی و تجاری توسعه‌یافته بهره می‌برد. ایران به‌عنوان یک اقتصاد در حال گذار به منابع نفت و گاز و صادرات آنها اتکای زیادی دارد، ولی طی سال‌های اخیر از میزان اتکا به درآمدهای نفتی در بودجه کشور کاسته شده است. اقتصاد ایران یکی از معدود اقتصادهای بزرگ است که از بحران اقتصاد جهانی در سال ۲۰۰۸ میلادی به‌طور مستقیم لطمه ندید.

استرالیا: استرالیا کشوری توسعه‌یافته با اقتصاد متکی بر بازرگانی و کشاورزی است. علیرغم اهمیت بالای بخش کشاورزی، اقتصاد این کشور همچنین مدیون رونق شهرهایی مانند ملبورن، پرت، آدلاید و سیدنی است. محصولات اصلی استرالیا نیشکر، پنبه، غلات و گوشت است. این کشور معادن فراوانی دارد. شرکای عمده تجاری استرالیا چین، ژاپن و کره جنوبی در آسیا و نیز ایالات متحده آمریکا هستند.

تایوان: تایوان که در سال ۲۰۱۱ میلادی نوزدهمین اقتصاد بزرگ دنیا را براساس برابری قدرت خرید داشته از اقتصاد توسعه‌یافته سرمایه‌داری برخوردار است. اقتصاد تایوان طی چندین دهه شاهد رشد بالایی بوده و از سال ۱۹۶۵ تا ۱۹۸۰ میلادی به‌طور متوسط ۱۰ درصد در سال رشد داشته که بالاترین میزان رشد در جهان بوده است. نرخ تورم و بیکاری تایوان پایین است و از مازاد تجاری زیادی بهره می‌برد. همچنین تایوان دارای چهارمین ذخایر بزرگ ارزهای خارجی در جهان است. بخش خدمات با ۷۳ درصد بزرگ‌ترین بخش اقتصاد تایوان است، صنعت ۲۴ درصد و کشاورزی ۳ درصد بقیه را در اختیار دارند.

لهستان: لهستان ششمین اقتصاد بزرگ اتحادیه اروپا و بیستمین اقتصاد بزرگ دنیا برحسب برابری قدرت خرید است. این کشور یکی از کشورهای دارای رشد سریع در اروپاست. خصوصی‌سازی بنگاه‌های کوچک و متوسط طی دهه ۱۹۹۰ میلادی و تسهیل قوانین موجب تشویق بخش خصوصی در این کشور شده است. با وجود این، نزدیک ۱۵ درصد نیروی کار این کشور در بخش کشاورزی فعالیت می‌کنند. سهم بخش کشاورزی از اقتصاد این کشور کمتر از ۴ درصد است و این بخش با مشکلات ساختاری، نیروی کار مازاد مزارع کوچک و ناکارآ و کمبود سرمایه‌گذاری مواجه است. بخش صنعت بیش از ۵۰ درصد و خدمات در حدود ۴۵ درصد اقتصاد این کشور را تشکیل می‌دهند.

استخراج معادن، ماشین‌آلات، کشتی‌سازی، فولاد، صنایع الکتریکی، صنایع غذایی، نساجی، صنایع شیمیایی، صنایع فلزی، سیمان، ابزارآلات صنعتی، لوازم خانگی و اتومبیل مهم‌ترین صنایع لهستان هستند.

(ب) قابلیت‌ها و توانمندی‌های اقتصاد ایران در عرصه جهانی

قرار گرفتن ایران در جایگاه هفدهمین قدرت اقتصادی جهان برحسب برابری قدرت خرید به پشتوانه توانمندی‌هایی است که اقتصاد کشور در عرصه‌های مختلف دارد. هر چند اقتصاد ایران با نفت و گاز قرین است، ولی در بسیاری بخش‌های دیگر نیز در بین برترین‌های دنیا قرار دارد. ایران از نظر پتانسیل‌های اقتصادی، شرایط ممتازی در خاورمیانه و شمال آفریقا دارد. شاخص‌هایی مانند داشتن سرزمینی به وسعت ۱,۶۴۸,۱۹۵ کیلومتر مربع و بازار بزرگی به میزان ۷۵ میلیون نفر جمعیت با سهم نسبتاً بالایی از جمعیت جوان و با درصد بالای تحصیلات دانشگاهی است و منابع انرژی و معدنی سرشار، جزء جذابیت‌های اقتصادی ایران به‌شمار می‌آید.

از نظر منابع طبیعی ایران اولین کشور دارای مجموع ذخایر انرژی در جهان است. ایران



سومین ذخایر بزرگ شناخته شده نفت و دومین ذخایر بزرگ گاز طبیعی جهان را در اختیار دارد. همچنین نخستین رتبه جهانی در منابع روی، دومین رتبه جهانی در زمینه منابع مس، نهمین رتبه جهانی در معادن آهن، دهمین رتبه جهانی در معادن اورانیم و یازدهمین رتبه جهانی در زمینه معادن سرب را داراست. به عبارت دیگر ایران با داشتن ۱ درصد جمعیت جهان بیش از ۷ درصد منابع معدنی جهان را در اختیار دارد.

در زمینه تولید محصولات صنعتی پایه مانند سیمان و فولاد نیز ایران در رتبه‌های خوب جهان قرار دارد. علاوه بر این در بخش کشاورزی در تولید بسیاری از محصولات کشاورزی در زمره ۱۵ کشور اول دنیا قرار دارد.

جداول ۲، ۳ و ۴ وضعیت ایران را در نظر برخی ذخایر و تولیدات نشان می‌دهند.

جدول ۲. رتبه ایران در ذخایر، تولید و صادرات انرژی در جهان

رتبه جهانی	محصول	
۱	کل ذخایر انرژی	ذخایر انرژی
۳	نفت	
۲	گاز	
۲	ذخایر هیدروکربن (نفت و گاز)*	
۱۲	زغال سنگ	
۶	کل تولید انرژی	تولید انرژی
۴	نفت	
۴	گاز	
۳۲	زغال سنگ	
۲	تولید بنزین طبیعی	صادرات انرژی
۸	نفت	
۲۵	گاز	

مآخذ: آژانس بین‌المللی انرژی، مجله نفت و گاز Journal of oil and Gas و سازمان ملل متحد سال ۲۰۱۰.

* وزیر نفت ایران در ۴ تیرماه ۱۳۹۱ اعلام کرد ایران در مجموع ذخایر نفت و گاز رتبه نخست جهان را در اختیار دارد. خبرگزاری شانا، ۴ تیر ۱۳۹۱.

جدول ۳. رتبه ایران در برخی تولیدات کشاورزی و دامی در جهان در سال ۲۰۱۰

عنوان	رتبه جهانی	منبع
تولیدات کشاورزی	۱۵	مؤسسه منابع جهانی (WIR)
زمین‌های قابل کشت	۱۵	بانک جهانی (۲۰۰۵)
میوه تازه	۳	فائو
مرکبات	۸	فائو
سزیجات و صیفی‌جات	۴	فائو
انار، پسته و زعفران	۱	فائو
پنیر	۳	فائو
گوشت گوسفند	۴	فائو

مأخذ: وزارت اقتصادی و دارایی، معاونت امور اقتصادی.

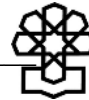
جدول ۴. رتبه ایران در برخی ذخایر و تولیدات صنعتی و معدنی

در جهان در سال ۲۰۱۰

عنوان	محصول	رتبه جهانی
ذخایر معدنی	روی	۱
	مس	۲
	آهن	۹
	اورانیم	۱۰
	سرب	۱۱
تولیدات صنعتی و معدنی	سیمان	۵
	آهن	۸
	گچ	۲
	سنگ آهن	۸
	اکسید آهن طبیعی	۹
	مس	۱۲
	وسایل نقلیه موتوری	۱۳

جمع‌بندی و نتیجه‌گیری

شاخص‌های مختلفی برای ارزیابی قدرت اقتصادی مورد استفاده قرار می‌گیرد که در این میان دو شاخص تولید ناخالص داخلی (برحسب نرخ اسمی) و تولید ناخالص داخلی برحسب برابری قدرت خرید بیشتر از بقیه مورد توجه هستند. به طوری که عمده رتبه‌بندی اقتصادهای دنیا بر مبنای یکی از این دو شاخص انجام می‌گیرد. تولید ناخالص داخلی برحسب برابری قدرت خرید این مزیت را دارد که در آن قدرت خرید ارزهای مختلف تعدیل می‌شود و از این لحاظ قابلیت مقایسه مناسب‌تری را



نسبت به تولید ناخالص داخلی معمولی ارائه می‌دهد.

وقتی سخن از ۲۰ اقتصاد بزرگ دنیا به میان می‌آید ممکن است برای برخی به اشتباه این تصور ایجاد شود که منظور همان گروه ۲۰ است، درحالی که این دو با هم تفاوت دارند و چنانچه در جدول ۱ ملاحظه شد کشورهای عربستان، آفریقای جنوبی و آرژانتین علیرغم عضویت در گروه ۲۰ در جمع ۲۰ اقتصاد بزرگ دنیا برحسب برابری قدرت خرید حضور ندارند. ضمن اینکه کشور استرالیا به‌عنوان یکی دیگر از اعضای گروه ۲۰ در رده پایین‌تری نسبت به ایران قرار گرفته است. از طرف دیگر، باید به این نکته توجه کرد که تولید ناخالص داخلی برای سنجش اندازه اقتصاد مورد استفاده قرار می‌گیرد که در جایگاه خود حائز اهمیت است. بالا بودن رتبه یک کشور در حجم اقتصاد بعضاً با شاخص‌های رفاهی اشتباه گرفته می‌شود، درحالی که این دو موضوع کاملاً با یکدیگر متفاوت هستند. قرار گرفتن کشورهای چین و هند جزء ۳ اقتصاد بزرگ دنیا درحالی که درآمد سرانه پایینی دارند، به خوبی مؤید این موضوع است.

ایران در سال ۲۰۱۱ میلادی براساس شاخص تولید ناخالص داخلی برحسب برابری قدرت خرید بالاتر از استرالیا در رده ۱۷ جهان قرار داشته که این جایگاه با اتکا به توانمندی‌های کشور کسب شده است. کشور ترکیه با قرار گرفتن در یک رده بالاتر از ایران، از جایگاه خوبی در سطح جهانی برخوردار است. بخشی از امکانات و توانایی‌های ایران در جداول ۲، ۳ و ۴ نشان داده شده که کمتر کشور پیشرفته‌ای از چنین امکاناتی برخوردار است. با این حال باید ذکر شود براساس سند چشم‌انداز بیست‌ساله کشور از لحاظ هدفگذاری به جایگاه موجود بسنده نشده و مقرر گردیده با عزم ملی و برنامه‌ریزی در جهت ارتقای آن قدم برداشته شود.

بخش دوم - ساختار تفصیلی محاسبه تولید ناخالص داخلی برحسب برابری قدرت خرید

الف) چگونه انواع برابری قدرت خرید، محاسبه می‌شود؟

در مقایسه‌های تطبیقی بین‌المللی، به‌لحاظ آنکه قدرت خرید یک واحد پول خارجی (مثلاً دلار) در کشورهای مختلف، متفاوت است و قاعدتاً قیمت یک سبد کالا در کشور (A) با قیمت همان سبد کالا در کشور (B) یا کشورهای دیگر به یک پول واحد، برابر نیست و برحسب سطح درآمدهایی که در هر کشور وجود دارد، قدرت خریدهای متفاوت و گوناگونی به‌دست می‌آید، ناگزیر به‌منظور ایجاد هماهنگی و وحدت رویه و امکان‌سنجی مقایسه‌های بین‌المللی از شاخص PPP استفاده می‌شود. یکی از موارد استفاده از PPP در حساب‌های ملی است؛ زیرا حساب‌های ملی در مقایسه‌های بین‌المللی بین کشورهای مختلف با اندازه‌های اقتصادی متفاوت، کاربرد وسیعی دارد. محاسبه انواع

PPP در فرآیند تبدیل سطح GDP و اجزای مهم آن از پول رایج ملی به نرخ ارزی که قابلیت مقایسه بین‌المللی را فراهم آورد، اولین قدم محسوب می‌شود.
محاسبه انواع PPP برای GDP در سه مرحله انجام می‌شود.^۱

مرحله اول

مرحله اول داده‌های قیمتی برای اقلام فردی کالاها و خدمات در کشورهای مشارکت‌کننده، جمع‌آوری می‌شود و هم در سطوح ملی و منطقه‌ای ارزشگذاری شود.

مرحله دوم

گام دوم در سطح گروه کالاها و خدمات است، یعنی زمانی که متوسط نسبت قیمت‌ها برای محصولات موجود در گروه به‌منظور به‌دست آوردن PPPهای غیروزنی برای گروه محاسبه می‌شود.

مرحله سوم

در سطح GDP است. یعنی زمانی که PPPها برای گروه‌های کالاها و خدمات، وزن داده شده و متوسط آنها محاسبه می‌شود، وزن‌هایی که در آخرین مرحله برای محاسبه متوسط مورد محاسبه قرار می‌گیرند، هزینه گروه‌های کالاها و خدمات است.

ب) چرا در مقایسه‌های بین‌المللی، محاسبه GDP به روش PPP نمی‌تواند جایگزین نرخ ارز باشد؟

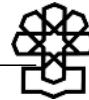
سؤال این است که:

آیا در مقایسه‌های بین‌المللی، محاسبه به روش PPP (ارزش برابری قدرت خرید) جایگزین نرخ ارز (مثلاً ارزش برابری ارز به ریال) است؟ قاعدتاً این تصور اشتباهی است که آنچه را که برای محاسبه GDP به روش PPP انجام شده است، جانشین نرخ ارز تلقی شود. زیرا در تعیین نرخ ارز (ارزش برابری ارز به ریال)، ساختاری به‌وجود می‌آید که فضای حاکم بر آن عبارتند از:

۱. برخورداری از متدولوژی ویژه‌ای در روش‌های برآورد نرخ،
۲. اجتناب‌ناپذیر بودن اعمال مفروضات متعدد در تعیین نرخ ارز،
۳. اجتناب‌ناپذیر بودن پذیرش «قیود خاص» در روش‌های برآورد.

لذا نرخ ارزی که با لحاظ شدن بندهای «۱»، «۲» و «۳» به‌دست می‌آید به نام‌های:

۱. همان، حساب‌های ملی ایران...، ص ۶۶.



«سطح برابری ریال در مقابل اسعار خارجی»، «ارزش برابری ریال»، «نرخ مبادله ارز» و «نرخ ارزش متداول بازار» و نظایر آن نامیده می‌شود.

از این جهت بین «قیمت بازاری یا تجاری پول خارجی» (که منحصراً استفاده درون‌مرزی دارد) و قیمت‌های محاسبه‌ای برای سنجش قدرت خرید یک سبد کالا، تفاوتی ایجاد می‌شود که مباحثی نظیر کاهش ارزش اسمی پول و امثال آن را فراهم می‌کند.

به بیان دیگر ارز همچون سایر کالاها دارای بازاری است که صرف‌نظر از قدرت تأثیرگذاری آن در تعیین ارزش اسمی داخلی پول ملی از حیث برابری عرضه و تقاضا نرخ مشخصی را به استفاده‌کنندگان از آن علامت‌دهی می‌کند که این نرخ همان نرخ مبادله یا «ارزش برابری با ریال» است.

ج) چرا از «نرخ ارز» برای تبدیل GDP در مقایسه‌های بین‌المللی استفاده نمی‌شود؟

سؤال‌های اصلی این است که:

چرا از نرخ ارز برای تبدیل GDP در مقایسه‌های بین‌المللی استفاده نمی‌شود؟ و موانع استفاده از نرخ ارز برای تبدیل GDP به یک نوع ارز رایج در مقایسه‌های بین‌المللی چه می‌باشد؟ پاسخ این سؤالات را باید در توضیحات ذیل جستجو کرد:

۱. نرخ ارز دائم دچار تغییراتی می‌شود، به همین علت است که نرخ ارز، روزانه اعلام می‌شود.
۲. گاهی اوقات بروز جریان‌ها و تنش‌های سیاسی یا بروز برخی وقایع اقتصادی (مثل بحران مالی اقتصاد جهانی) یا تحولات حادث شده در برخی از متغیرهای اقتصادی (مثل نرخ سود) و نظایر آن، نرخ ارز را دچار تغییرات می‌کند.
۳. نرخ ارز در کشورهای مختلف، تحت تأثیر پارامترهای متعددی از جمله عوامل سیاسی و اقتصادی درون‌زا و برون‌زا است و به همین جهت نرخ برابری واحد پول هر کشور در مقابل دلار یا یک ارز مشخص دیگر، در همه کشورها با یکدیگر متفاوت است. در واقع چنین تصور کنید که اگر GDP با استفاده از «نرخ ارز» مثلاً به دلار یا یورو تبدیل شود، اندازه و حجم اقتصاد کشور نیز روزانه با تغییرات نرخ ارز تغییر خواهد کرد، بدون آنکه به فعالیت‌های اقتصادی هر کشور ارتباطی داشته باشد.
۴. مشکل دیگر برای استفاده از «نرخ ارز» در تبدیل GDP برای مقایسه‌های بین‌المللی آن است که «نرخ ارز» یا «ارزها» نسبت قیمت کالاها و خدمات تولید شده را منعکس نمی‌کنند، منظور از مفهوم «نسبت» این است که روشن نمی‌کند اگر به ازای هر یک دلاری که در آمریکا خرج می‌شود تا یک بطری آب معدنی از مارک معینی، خریداری شود، برای به دست آوردن همان مقدار آب معدنی با همان مارک چند یورو باید خرج شود.

بنابراین استفاده از نرخ ارز در تبدیل GDP برای مقایسه‌های بین‌المللی، صرفاً نسبت قیمت

کالاها و خدمات را منعکس نمی‌کند، بلکه فقط تحت تأثیر عواملی نظیر قیمت کالاهای قابل مبادله، نرخ بهره، جریان‌های مالی و پولی و غیره می‌باشند.

نتیجه

۱. به دلایل متعدد و گوناگونی، (از جمله در انجام مطالعات علمی ... یا برای برنامه‌ریزی‌های اقتصادی و ... نظایر آن‌ها)، مقایسه‌های بین‌المللی بین کشورهای مختلف، ضرورت پیدا می‌کند. سازمان‌های بین‌المللی نیز به دلایل گوناگونی، به اندازه GDP کشورهای عضو را نیاز دارند و یا آگاهی از اندازه متغیرهای کلان اقتصادی، برای گروه‌بندی یا بلوک‌بندی‌های مختلف، به‌عنوان ضابطه ارزیابی وضعیت کشورهای عضو، اطلاعات بسیار مفیدی را (از جمله در برنامه‌ریزی‌های اقتصادی یا سیاست‌گذاری و نظایر آن) به‌دست می‌دهد.

۲. به این ترتیب استفاده از شیوه PPP، مفهوم دقیق‌تر، عینی‌تر و ملموس‌تری را ارائه می‌دهد.

۳. وقتی GDP کشورهای مختلف با استفاده از PPPها، به دلار تبدیل می‌شوند، همه آن‌ها با یک مجموعه قیمت مشترک ارزش‌گذاری می‌شوند. درست نظیر تبدیل GDP در سری‌های زمانی به قیمت‌های ثابت که انجام مقایسه‌ها در این‌جا نیز مقایسه GDP کشورهای مختلف را امکان‌پذیر می‌سازد.

لذا محاسبه GDP به روش «برابری قدرت خرید» برای مقایسه قدرت خرید کشورها بوده و استفاده از روش PPP نمی‌تواند جایگزین محاسبه GDP براساس نرخ ارز باشد و تصور نمی‌رود در هیچ کشوری، نرخ ارز را از طریق PPP تعیین کنند.

۴. برای مقایسه استانداردهای زندگی بین دو یا چند کشور، نیازمند «یک ضابطه استاندارد» هستیم. از همین جهت از نرخ‌های مبادله PPP استفاده می‌شود و طبعاً استفاده از نرخ‌های ارز، مقایسه‌های نادرست، ناهمخوان و غیر قابل مقایسه به‌دست می‌دهد.

علل اختلاف محاسبه GDP براساس «نرخ ارز» و «برابری قدرت خرید»

حال باید دید علل اختلاف بین این دو نرخ (نرخ ارز و نرخ برابری قدرت خرید)، منبعث از چه عوامل و پارامترهای دیگری است. قاعدتاً تمامی این اختلافات را نمی‌توان به نارسایی‌های فنی نظام ارزی کشورها نسبت داد، بلکه درصد بزرگی از علت شکاف بین دو نرخ مزبور، قاعدتاً معطوف به موارد ذیل است:



الف) ساختار و نظام قیمت‌های داخلی

نوع ساختار و نظام قیمت‌های داخلی از پارامترهای بسیار اثرگذار در تفاوت بین دو نرخ ارز تلقی می‌شود. معطوف بودن این تفاوت از جنبه ایجاد اختلال در نظام قیمت‌های داخلی (که به صورت یارانه‌ای و تکلیفی تعیین می‌شوند) در مثال‌های زیر نشان داده می‌شوند:

فرض کنید تولید ناخالص داخلی براساس برابری نرخ ارز در بازار معادل ۱۵۰ میلیارد دلار ولی براساس نحوه محاسبه به شیوه برابری قدرت خرید معادل ۴۵۰ میلیارد دلار باشد، حاصل تقسیم این دو عدد (یعنی ۱ به ۳) معرف سطح فشاری است که به لحاظ حجم غیرمعارف انواع یارانه‌های آشکار و نهان اعم از مستقیم یا غیرمستقیم بر قیمت کل کالاها و خدمات وارد می‌شود.

مثال دیگر، تعمیم همین مثال به مورد تولید سرانه است. فرض کنیم تولید سرانه ایران در سال مورد بررسی مثلاً ۲۲۰۰ دلار باشد اما این رقم تولید سرانه واقعی نیست و عدد حقیقی به مراتب بالاتر از ۲۲۰۰ دلار است. زیرا ایرانیان، قیمتی را که برای مصرف مهم‌ترین فرآورده‌های نهایی می‌پردازند نه براساس قیمت‌های رایج در میانگین‌های جهانی و نه براساس قیمت نهایی تعیین شده، بلکه براساس قیمت‌های تکلیفی و یارانه‌ای است. در سال ۱۳۸۴ (براساس محاسبات انجام شده در بهمن ۱۳۸۵) صرفاً یارانه حامل‌های انرژی بالغ بر ۳۸/۵ میلیارد دلار بوده است. این میزان یارانه که با توجه به نرخ برابری ارز به ریال در سال مزبور بود (۹۱۵۵ ریال) بالغ بر ۳۵۳۰۰۰ میلیارد ریال است که سرانه آن با احتساب جمعیتی بالغ بر ۶۹/۳ میلیون نفر در سال مذکور، چیزی حدود ۵۰۰۰۰۰۰۰ ریال و یا ۵۴۶ دلار خواهد بود و تازه این رقم انحصاراً مربوط به مصرف حامل‌های انرژی (و نه تمام کالاها و خدمات، اعم از قابل مبادله یا غیرمبادله) است. پس در این حالت تولید سرانه در ایران آن هم بر مبنای قدرت خرید پول نه به میزان ۲۲۰۰ دلار، چه بسا که با ملحوظ داشتن سایر عوامل مربوط تا سطح ۶۰۰۰ تا ۵۸۰۰ دلار نیز افزایش خواهد یافت.

ب) نرخ بهره‌وری

علاوه بر نوع ساختار و نظام قیمت‌های داخلی (که یکی از علل اختلاف GDP براساس «نرخ ارز» و «برابری قدرت خرید» است) بهره‌وری پایین نیروی کار، سرمایه و انرژی و سرانجام بهره‌وری پایین کل عوامل تولید را نیز باید در زمره علل دیگر شکاف بین این دو نرخ، در نظر داشت.

ج) «قابل مبادله بودن» یا «غیرقابل مبادله بودن» کالاها و خدمات تولیدی

یکی دیگر از علل تفاوت GDP براساس «نرخ ارز» و «نرخ برابری قدرت خرید» به قابلیت مبادله‌ای

داشتن یا نداشتن کالاها و خدمات تولیدی برمی‌گردد. اگر کشور A، ۲۰ درصد تولید ناخالص داخلی‌اش قابل مبادله باشد قاعدتاً میزان ارزی که به دست می‌آورد با مقدار ارزی که کشور دیگر B با صادرات ۸۰ درصد کالاهای تولیدی‌اش به دست می‌آورد متفاوت است.

د) ورود برخی از کشورها به مرحله جدید توسعه، موسوم به اقتصاد دانایی

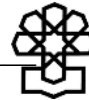
ورود به مرحله جدید توسعه اقتصادی، موسوم به اقتصاد دانایی، یکی از شاکله‌های افزایش قدرت برابری خرید در کشورهایی است که اقتصاد آن‌ها با این فاز عجین است.

دستیابی فزاینده به علوم و فنون و تغییر و تحولات فنی نه تنها موجب ابداعات کالاهای جدید می‌شود، بلکه به کشف راه‌های تازه‌ای در تولید کالاها و خدمات هم منجر می‌شود و فراتر از آن موجبات تغییر در دیدگاه‌ها و رفتارها را هم سبب می‌شود و در نتیجه باعث افزایش برابری قدرت خرید کشورهایی می‌شود که به مرحله توسعه اقتصاد دانایی دست یافته‌اند،^۱ زیرا قطعاً اختراعات، ابداعات و ابتکارات و سرانجام اکتشافات (حتی نظیر کشف فرمول یک داروی جدید) نقشی قاطع در افزایش ثروت این‌گونه کشورها خواهد داشت. کشورهایی که توانسته‌اند از مرحله «عمل‌آوری منابع طبیعی» به «دنیای عمل‌آوری دانش» روی آورند، اقتصادی خواهند داشت که بنیان آن بر مبنای تولید فکر، تولید اندیشه، تولید علم، فناوری کردن علم، تجاری‌سازی کالای فناوری شده و سرانجام مصرف آن دانایی قرار دارد و طبعاً با افزایش فزاینده تولید ملی، درآمد ملی، از قدرت خرید بالاتری برخوردار خواهند شد، زیرا دانایی نیز لاجرم یک کالای غیرفیزیکی است که به مرحله کالای فیزیکی، تجلی یافته است.

ه) تعرفه‌های تجاری و گمرکی

در برخی از موارد، تعرفه‌ها و سهمیه‌های تجاری که وضع می‌گردند سبب می‌شود تا قیمت کالاهای وارداتی از قیمت کالای رایج در مبدأ فاصله بگیرد و در نتیجه عاملی برای انحراف از PPP محسوب می‌شود. در صورتی که این محدودیت‌ها به‌طور دوجانبه (بین داخل و خارج) وضع شده باشند، آثار آن روی نرخ ارز ناچیز خواهد بود.

۱. برای اطلاع بیشتر رجوع کنید به: بهروز تصدیقی، تولید علم، توزیع دانش و مصرف دانایی، مرکز پژوهش‌ها، دفتر مطالعات اقتصادی، گزارش نهایی نشده، آبان ۱۳۸۴.



نتیجه

این نکته مهم باید در نظر گرفته شود که بالا بودن تولید ناخالص داخلی بر حسب PPP در کشورهای مختلف الزاماً ماهیت یکسانی ندارد. بالا بودن تولید در برخی از کشورها ناشی از تزریق یارانه و در برخی دیگر ناشی از قدرت علمی و عمل‌آوری دانش (ورود به مرحله جدید توسعه اقتصادی یعنی اقتصاد دانایی) است. هر اندازه دانش بری اقتصاد بالا باشد طبعاً درصد کالاهای قابل مبادله آنها بالا رفته و قاعدتاً بین تولید ناخالص داخلی آنها به ارزش اسمی و تولید ناخالص داخلی به روش PPP، شکاف کمتری حاصل می‌شود.

اندازه‌گیری و به‌کارگیری روش‌های محاسبه PPP

۱. داده‌های مورد نیاز جهت اندازه‌گیری PPP عبارتند از:

الف) قیمت‌های قابل مقایسه،

ب) تعیین سبد کالا،

ج) تعیین یک فهرست مبنا^۱ برای تعیین وزن‌های مخارج.

۲. تعداد اقلام متشکل در سبد در هر دوره پنج‌ساله برحسب مقتضیات و شرایط زمانی، دچار تغییر و تحولاتی می‌شود، لکن سبد مزبور از ۹۰۰ قلم شروع و در حال حاضر، به ۲۶۰۰ قلم بالغ شده است.

۳. به لحاظ آن‌که محاسبه PPP به منظور مقایسه بین کشورهاست، قاعدتاً نیازمند تعیین کالاهای و خدمات همانند است که بتواند برای تمام کشورهای مورد مطالعه و مقایسه عمومیت داشته باشد.

۴. در گام اول، داده‌های قیمتی برای هر کدام از اقلام سبد کشورهای عضو در دو سطح ملی و منطقه‌ای جمع‌آوری می‌شود.

۵. در گام بعدی شاخص‌های برابری قدرت خرید (ppp_s) منطقه‌ای (که از تعامل ضریب اهمیت مخارج در فهرست مبنا و میانگین قیمت اقلام در فهرست تولید منطقه‌ای به دست می‌آیند) محاسبه می‌شوند. در حقیقت ppp_s منطقه‌ای با یک پول منطقه‌ای تبیین می‌شوند.

۶. در گام بعدی ppp_s منطقه‌ای به منظور ایجاد هم‌خوانی در داده‌های جهانی براساس یک فهرست مبنایی PPP به داده‌های جهانی وصل می‌شوند. تا قبل از سال ۲۰۰۵، کشورهای به‌نام کشورهای واسط^۲ که حلقه اتصال تولید ناخالص داخلی مناطق مختلف بودند، تعیین شده بودند^۳ اما از سال

۱. انتخاب این فهرست (Basic Heading) از محصولات در زمره حوزه‌های چالشی و مجادله‌آمیز در ساختار ارزش برابری قدرت خرید (ppp_s) است.

2. Bridge Countries

۳. مثلاً ژاپن حلقه اتصال آسیا با کشورهای عضو OECD و یا مکزیک، حلقه اتصال آمریکای لاتین با OECD است.

۲۰۰۵، «مجموعه‌ای از کشورها» جهت پر کردن این حلقه اتصال تعیین شدند.

۷. در محاسبه PPP از روش‌های مختلفی استفاده می‌شود:

(الف) برخی از مؤسسات تحقیقاتی، محاسبات را براساس «طرف تولید»^۱ حساب‌های ملی محاسبه می‌کنند و این شیوه در ارزیابی بهره‌وری بخش‌های مختلف کشورها موفق عمل می‌کند که در واقع با لحاظ کردن قیمت اقلام تولید در مقایسه با واحد نهاده و نیز مقایسه ستاده‌های ناخالص از طریق تعدیل قیمت‌های نسبی محصولات و سپس قیمت نسبی داده به ارزش خالص ستاده به‌دست می‌آید.^۲ البته این روش را نمی‌توان به یک مقیاس جهانی که شامل همه کشورها شود، تعمیم داد.

(ب) اما محاسبه PPP براساس طرف درآمد^۳ هنوز در سطح وسیع کاربرد نیافته است. این روش شامل مقایسه درآمد واحدهای مختلف عوامل مختلف تولید برحسب وضعیت فناوری می‌شود و به موجب این شیوه، امکان مقایسه مهارت‌ها و درآمد نیروی کار وجود دارد، هرچند شفافیت و جامعیت لازم را ندارد.

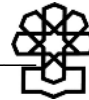
(ج) روش محاسبه دیگری برای PPP که مبتنی بر طرف مخارج^۴ GDP است، ICP^۵ نام دارد از نسبت قیمت‌های تعداد زیادی از اقلام مخارج نهایی قابل مقایسه و گردآوری آن‌ها از طریق وزن‌های مخارج GDP به دست می‌آید. بر این اساس نرخ‌های PPP منعکس‌کننده قیمت‌های پرداختی به‌وسیله مصرف‌کنندگان کشورهای مربوطه است.

(د) علاوه بر این، پیشنهادهایی از سوی برخی از محققان مبنی بر ترکیب سه روش (تولید، درآمد، مخارج) به‌منظور رسیدن به یک چهارچوب تحلیلی جامع ارائه شده است که البته از سوی بسیاری از محاسبه‌گران نخبه، مورد پذیرش واقع نشده است.^۶ این روش بیش‌تر در کشورهای صنعتی توسعه یافته که جداول داده - ستانده به‌هنگام و قابل اعتمادی دارند به کار می‌آید و مفید بودن نتایج بستگی به جداول داده - ستانده دارد.

عوامل ایجاد نارسایی در نظریه برابری قدرت خرید

عوامل متعددی وجود دارند که موجبات برخی از نارسایی‌ها را در نظریه برابری قدرت خرید فراهم می‌سازند که به‌عنوان عوامل انحراف از PPP شناخته می‌شوند. این عوامل عبارتند از:

1. Production Side
2. Maddison Van Ark in ADB, 2003. P.4.
3. Income Side
4. Expenditure Side
5. IC P: International Comparison of Prices
6. Vellopillaiy Zambelli, 1994 in ADB, 2003. P.5.



الف) عوامل کوتاه‌مدت ناشی از قوانین و مقررات زودگذر بازرگانی و گمرکی، شوک‌های پولی، جریان‌های فرار سرمایه،

ب) عوامل بلندمدت شامل مواردی هستند که بر نسبت قیمت کالاهای تجاری به غیرتجاری اثر گذاشته و منجر به انحرافات بلندمدت از برابری قدرت خرید می‌گردند، عواملی نظیر جریان دائمی سرمایه، قوانین و مقررات دائمی تجاری و گمرکی، هزینه‌های حمل‌ونقل، یارانه کالاهای اساسی و ...

سیر تحولات تولید ناخالص داخلی ایران با قیمت‌های بین‌المللی

جدول ۵، سیر تحولات تولید ناخالص داخلی ایران را برحسب (برابری قدرت خرید) و (ارزش برابری ریال به دلار) از یک طرف و همچنین سیر تحولات تولید ناخالص داخلی سرانه (برحسب PPP) و (برحسب ارزش اسمی) را در یک نمای کلی به خوبی نشان می‌دهد.

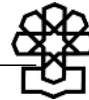
۱. به طوری که از جدول ۵ ملاحظه می‌شود تولید ناخالص داخلی ایران برحسب نرخ ارز در سال ۱۳۸۹ (معادل ۲۰۱۰ میلادی) معادل ۴۱۹ میلیارد دلار و از نظر برابری قدرت خرید در همین سال معادل ۹۵۰ میلیارد دلار بوده است. نسبت تولید ناخالص داخلی برحسب برابری قدرت خرید به تولید ناخالص داخلی در همین سال بر مبنای ارزش اسمی بالغ بر ۲/۶ برابر است.

۲. تولید ناخالص داخلی سرانه ایران برحسب برابری قدرت خرید در سال ۱۳۸۹ بالغ بر ۱۲۷۲۵ دلار و تولید ناخالص داخلی سرانه ایران برحسب نرخ مبادله (ارزش اسمی) در همان سال بالغ بر ۵۶۰۸ دلار است.

جدول ۵. تحولات تولید ناخالص داخلی کل و سرانه ایران بر حسب PPP و نرخ برابری دلار به تفکیک سال‌های شمسی - میلادی

سال شمسی	سال میلادی	تولید ناخالص داخلی بر حسب PPP (میلیارد دلار)	درصد تغییر	تولید ناخالص سرانه بر حسب PPP (دلار)	درصد تغییر	تولید ناخالص داخلی بر حسب ارزش اسمی (میلیارد دلار)	درصد تغییر	تولید ناخالص سرانه بر حسب ارزش اسمی (دلار)	درصد تغییر
۱۳۵۹	۱۹۸۰	۹۹,۹۰۶		۲۶۰۵/۱		۹۳,۷۷۲		۲۴۴۵/۲	
۱۳۶۰	۱۹۸۱	۱۱۷,۹۱۱	۱۰/۸	۲۸۸۶/۴	۱۸/۰	۱۰۶,۵۸۹	۱۳/۷	۲۶۰۹/۳	۶/۷
۱۳۶۱	۱۹۸۲	۱۴۳,۱۲۳	۱۶/۷	۳۳۶۹/۲	۲۱/۴	۱۳۳,۳۹۳	۲۵/۱	۳۱۴۰/۱	۲۰/۳
۱۳۶۲	۱۹۸۳	۱۶۴,۱۰۳	۱۰/۲	۳۷۱۴/۴	۱۴/۷	۱۶۲,۴۳۲	۲۱/۸	۳۶۷۶/۶	۱۷/۱
۱۳۶۳	۱۹۸۴	۱۷۵,۹۲۶	۳/۱	۳۸۲۷/۸	۷/۲	۱۶۸,۴۱۱	۳/۷	۳۶۶۴/۳	-۰/۳
۱۳۶۴	۱۹۸۵	۱۸۸,۸۷۸	۳/۲	۳۹۴۹/۸	۷/۴	۷۹,۸۶۴	-۵۲/۶	۱۶۷۰/۱	-۵۴/۴
۱۳۶۵	۱۹۸۶	۱۷۵,۰۰۱	-۱۰/۴	۳۵۳۹/۷	-۷/۳	۸۳,۳۳۶	۴/۳	۱۶۸۵/۶	۰/۹
۱۳۶۶	۱۹۸۷	۱۷۵,۸۵۶	-۱/۹	۳۴۷۱/۳	۰/۵	۹۵,۹۸۶	۱۵/۲	۱۸۹۴/۷	۱۲/۴
۱۳۶۷	۱۹۸۸	۱۵۶,۲۸۸	-۱۳/۳	۳۰۱۰/۷	-۱۱/۱	۸۴,۱۶۷	-۱۲/۳	۱۶۲۱/۴	-۱۴/۴
۱۳۶۸	۱۹۸۹	۱۷۲,۲۵۸	۷/۶	۳۲۳۸/۵	۱۰/۲	۸۱,۲۱۹	-۳/۵	۱۵۲۷/۰	-۵/۸
۱۳۶۹	۱۹۹۰	۲۰۹,۰۸۸	۱۸/۵	۳۸۳۶/۵	۲۱/۴	۸۳,۰۲۶	۲/۲	۱۵۲۳/۴	-۰/۲
۱۳۷۰	۱۹۹۱	۲۴۹,۳۷۱	۱۶/۴	۴۴۶۵/۸	۱۹/۳	۹۷,۳۶۱	۱۷/۳	۱۷۴۳/۶	۱۴/۵
۱۳۷۱	۱۹۹۲	۲۶۵,۹۵۲	-۳/۳	۴۳۲۰/۲	۶/۶	۱۱۴,۷۷۵	۱۷/۹	۱۸۶۴/۴	۶/۹
۱۳۷۲	۱۹۹۳	۲۶۷,۸۰۶	۱/۶	۴۳۹۰/۳	۰/۷	۸۵,۸۷۷	-۲۵/۲	۱۴۰۷/۸	-۲۴/۵
۱۳۷۳	۱۹۹۴	۲۷۲,۵۳۹	۰/۳	۴۴۰۳/۵	۱/۸	۶۷,۰۹۴	-۲۱/۹	۱۰۸۴/۱	-۲۳/۰
۱۳۷۴	۱۹۹۵	۲۸۵,۴۹۲	۳/۲	۴۵۴۵/۸	۴/۸	۹۰,۸۳۸	۳۵/۴	۱۴۴۶/۴	۳۳/۴
۱۳۷۵	۱۹۹۶	۳۱۱,۵۶۱	۱۴/۱	۵۱۸۷/۹	۹/۱	۱۱۰,۶۲۳	۲۱/۸	۱۸۴۲/۰	۲۷/۴
۱۳۷۶	۱۹۹۷	۳۲۷,۴۶۷	۳/۵	۵۳۶۸/۸	۵/۱	۱۰۶,۳۵۱	-۳/۹	۱۷۴۳/۶	-۵/۳
۱۳۷۷	۱۹۹۸	۳۴۰,۱۷۳	۲/۵	۵۵۰۰/۷	۳/۹	۹۷,۸۶۹	-۸/۰	۱۵۸۲/۶	-۹/۲
۱۳۷۸	۱۹۹۹	۳۵۱,۷۶۹	۱/۸	۵۵۹۹/۹	۳/۴	۱۰۴,۶۵۶	۶/۹	۱۶۶۶/۰	۵/۳
۱۳۷۹	۲۰۰۰	۳۷۷,۹۲۰	۵/۷	۵۹۱۷/۸	۷/۴	۹۶,۴۴۰	-۷/۹	۱۵۱۰/۱	-۹/۴
۱۳۸۰	۲۰۰۱	۴۶۴,۰۲۰	۴/۴	۶۱۷۶/۱	۶/۱	۱۱۵,۱۳۶	۱۹/۴	۱۷۷۲/۸	۱۷/۴
۱۳۸۱	۲۰۰۲	۵۱۰,۰۶۰	۹/۹	۶۶۳۵/۱	۹/۳	۱۱۷,۱۶۲	۱/۸	۱۷۷۳/۸	۰/۱
۱۳۸۲	۲۰۰۳	۵۶۲,۷۶۰	۱۰/۳	۷۰۸۰/۵	۸/۵	۱۳۸,۰۷۳	۱۷/۸	۲۰۵۵/۴	۱۵/۹
۱۳۸۳	۲۰۰۴	۶۱۸,۰۲۰	۹/۸	۷۵۹۳/۹	۹/۱	۱۶۸,۹۷۱	۲۲/۴	۲۴۷۳/۴	۲۰/۳
۱۳۸۴	۲۰۰۵	۶۸۴,۸۴۰	۱۰/۸	۸۰۶۵/۱	۸/۰	۱۹۵,۲۰۰	۱۵/۵	۲۸۰۹/۵	۱۳/۶
۱۳۸۵	۲۰۰۶	۷۵۰,۸۶۰	۹/۶	۸۵۲۰/۰	۷/۴	۲۱۸,۴۲۰	۱۱/۹	۳۰۹۱/۳	۱۰/۰
۱۳۸۶	۲۰۰۷	۸۲۱,۸۴۰	۹/۴	۱۱۴۸۹	۳۴/۸	۳۰۷/۳	۴۰/۷	۴۲۹۶	۳۸/۹
۱۳۸۷	۲۰۰۸	۸۴۵	۲/۸	۱۱۶۴۰	۱/۳	۳۵۰/۵	۱۴/۰	۴۸۳۰	۱۲/۴
۱۳۸۸	۲۰۰۹	۸۸۷,۵۰۰	۵/۰	۱۲۰۵۰	۳/۵	۳۶۰/۶	۲/۸	۴۸۹۶	۱/۳
۱۳۸۹	۲۰۱۰	۹۵۰	۷/۱۱	۱۲۷۲۵	۵/۵	۴۱۹	۱۶/۲	۵۶۰۸	۱۴/۵

Source: <http://www.econstats.com/weo> (IMF. org)



جمع‌بندی نهایی

از کاربردهای برابری قدرت خرید می‌توان بررسی توان رقابت‌پذیری کشورها، مقایسه درآمد ملی و سرانه کشورها، ارزیابی استاندارد زندگی جوامع و تسهیل در برآورد سایر شاخص‌های اقتصادی نام برد. امکان مقایسه سطح رفاه در کشورهای مختلف یکی از موارد مهم کاربرد برابری قدرت خرید است. بر همین اساس ۲۰ اقتصاد برتر از حیث برابری قدرت خرید در این گزارش به اجمال معرفی شدند. علاوه بر این قابلیت‌ها و توانمندی‌های اقتصاد ایران در عرصه جهانی مورد ارزیابی قرار گرفت. بر همین اساس جایگاه هفدهم اقتصاد جهان از حیث برابری قدرت خرید در سال ۲۰۱۱ به ایران اختصاص یافته است. از نظر منابع طبیعی، ایران اولین کشور دارای مجموع ذخایر انرژی در جهان است. ایران سومین ذخایر بزرگ شناخته شده نفت و دومین ذخایر بزرگ گاز طبیعی جهان را در اختیار دارد. همچنین نخستین رتبه جهانی در منابع روی، دومین رتبه جهانی در زمینه منابع مس، نهمین رتبه جهانی در معادن آهن، دهمین رتبه جهانی در معادن اورانیم و یازدهمین رتبه جهانی در زمینه معادن سرب را داراست. به عبارت دیگر ایران با داشتن ۱ درصد جمعیت جهان بیش از ۷ درصد منابع معدنی جهان را در اختیار دارد.

از سوی دیگر، به آنچه در محافل کارشناسی از حیث محاسبه تولید ناخالص داخلی برحسب برابری قدرت خرید و علل اختلاف آن با تولید ناخالص داخلی برحسب نرخ ارز رسمی مطرح است باید چنین پاسخ داد که این تفاوت به نرخ بهره‌وری، قابل مبادله بودن یا غیرقابل مبادله بودن کالاها و خدمات تولیدی، ورود برخی از کشورها به مرحله جدید توسعه موسوم به اقتصاد دانایی، تعرفه‌های تجاری و گمرکی برمی‌گردد.

منابع و مآخذ

۱. نگاهی به ۲۰ اقتصاد بزرگ دنیا، گزارش وزارت اقتصاد و دارایی، معاونت اقتصادی، ۱۳۸۹.
2. World Bank: "about the ICP and ppps", FAQ. November 2006: http://www.sitere sources.world Bank.org./Icpintre sources_
3. Zambelli, V, International Comparison of Prices: Why should Countries Participate in The Surveys? N.5, 2003, [www.ADB.org/Statistics/files/July/ F-Vogel. Pdf.](http://www.ADB.org/Statistics/files/July/F-Vogel.Pdf)
4. (Time Series from IMF) <http://www. Econstats. Com/Weo>



مرکز پژوهش‌ها
مجلس شورای اسلامی

شماره مسلسل: ۱۲۸۰۷

شناسنامه گزارش

عنوان گزارش: «نگاهی به ۲۰ اقتصاد بزرگ دنیا» و تحلیل برابری قدرت خرید دو پول ملی (GDP برحسب PPP)

نام دفتر: مطالعات اقتصادی (گروه اقتصاد کلان)

تهیه و تدوین: افشین حیدرپور

ناظر علمی: رؤیا طباطبایی یزدی

متقاضی: کاظم جلالی (رئیس مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی)

ویراستار تخصصی: —

ویراستار ادبی: —

واژه‌های کلیدی:

۱. برابری قدرت خرید
۲. سیستم حساب‌های ملی
۳. مقایسه بین‌المللی قیمت‌ها
۴. ارزش اسمی

تاریخ انتشار: ۱۳۹۱/۱۱/۳۰